

چطور دانشجوی دیزاین باشیم

این کتاب ترجمه‌ای است از:

**HOW TO BE A DESIGN STUDENT
(AND HOW TO TEACH THEM)**

Mitch Goldstein
PA press, 2023



چطور دانشجوی دیزاین باشیم

و چطور دیزاین را آموزش دهیم

میچ گولدستین

ترجمهٔ نیما جم

چطور دانشجوی دیزاین باشیم

و چطور دیزاین را آموزش دهیم

میچ گولدستین

ترجمهٔ نیما جم

ویرایشی محمد افتخاری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی واژه‌پرداز اندیشه

چاپ اول ۱۴۰۴

نشرمشکی . تهران

www.meshkipublication.com

info@meshkipublication.com

@meshkipublication



همهٔ حقوق برای ناشر محفوظ است.

تکثیر یا تولید همه یا بخشی از کتاب به‌هرصورت

(انتشار الکترونیکی، چاپ، فتوکپی، تصویر، صوت)

بدون اجازهٔ کتبی ناشر ممنوع است.



دیزاینِ مشکی / ۳۳

سرشناسه: گلدستاین، میچ، ۱۹۶۴-م.

Goldstein, Mitch, ۱۹۶۴-.

عنوان و نام پدیدآور: چطور دانشجوی دیزاین باشیم / میچ گولدستین؛ ترجمه نیما جم.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشکی، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۱۵۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۶۶۹-۹۲-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: (and how to teach them) : How to be a design student

موضوع: طراحی — راهنمای آموزشی (عالی) — ایالات متحده

Design — Study and teaching (Higher) — United States

طراحی — راهنمایی شغلی

Design — Vocational guidance

اندیشه و تفکر خلاق

Creative thinking

شناسه افزوده: جم، نیما، ۱۳۶۳-، مترجم

رده‌بندی کنگره: NK1۱۷۰

رده‌بندی دیویی: ۷۴۴/۰۷۱۱

شمارهٔ کتابشناسی ملی: ۱۰۰۶۶۳۸۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

برای همهٔ دانشجوهایم، و تمام اساتیدم،
که از هر کدامشان بیشتر از آنچه به ایشان آموختم، یاد گرفته‌ام.

پیش‌گفتار — ۹

مقدمه: باید این کتاب را بخوانید یا نه؟ — ۱۳

— — — — — درک کردن دانشکدهٔ دیزاین

فصل ۱: چرا باید به دانشکدهٔ دیزاین برویم؟ — ۱۹

فصل ۲: یادگیری کنجکاوی — ۲۷

فصل ۳: فرایند و عملکرد — ۳۳

فصل ۴: دردسر — ۳۹

فصل ۵: هم‌تیمی‌ها — ۴۵

— — — — — داخل کارگاه

فصل ۶: بیرون کشیدن اطلاعات — ۵۳

۵۹	—	فصل ۷: فاعلیت و تو-یی
۶۵	—	فصل ۸: شکست خوردن
۷۱	—	فصل ۹: نمرات
۷۷	—	فصل ۱۰: نقد
۸۹	—	فصل ۱۱: همکاری
۹۵	—	فصل ۱۲: الهام
۱۰۱	—	فصل ۱۳: گردشگران، جهانگردان و شهروندان
۱۰۷	—	فصل ۱۴: سازمان‌دهی
۱۱۵	—	فصل ۱۵: قبل از هرچیز آدمیم

بیرون از دانشگاه

۱۲۳	—	فصل ۱۶: آموزش ادامه دارد
۱۲۹	—	فصل ۱۷: تکلیف کارشناسی ارشد چه می‌شود؟
۱۳۵	—	فصل ۱۸: دوستان‌تان را از یاد نبرید
۱۴۱	—	فصل ۱۹: قهرمانان
۱۴۷	—	فصل ۲۰: کیستی؟

۱۵۱ — سپاس‌گزاری

۱۵۳ — دربارهٔ نویسنده

پیش‌گفتار

وقتی دانشجوی دیزاین بودم می‌دانستم دیزاین چیست. به عنوان یک نوجوان نخبه، قبل از ورودم به دانشکده، یک دوجین کتاب دیزاین خوانده بودم و این توانایی را داشتم که یک عالمه دیزاینر را در تاریخ نام ببرم و در موردشان بلب‌زبانی کنم. به من گفته بودند برای فردی با گرایش‌های هنری، دیزاین حرفهٔ معقولی به حساب می‌آید، حُب من هم با این حرف موافق بودم. تعریف دیزاین در دانشکدهٔ دیزاین کار ساده‌ای بود: تمام روز وقتم یا صرف انتخاب فونت و رنگ می‌شد، یا مشغول صفحه‌بندی و دیزاین لوگو بودم. یادم هست که هر بار چشم من و هم‌کلاسی‌هایم به تابلوی اعلانات روی درِ خوابگاه و فاصلهٔ مسخرهٔ حروفش می‌افتاد از خنده روده‌بُر می‌شدیم — اصولاً دیزاینر-جماعت کارش همین است. خیال داشتم کلّ زندگی‌ام را صرف تولید مجله، دیزاین جلد کتاب و یا دیزاین وب‌سایت بکنم. عاشق این کارها بودم.

ولی اوضاع آن‌طورها که فکر می‌کردم پیش نرفت. در طول این پانزده سالی که از دانشجوی سال اول کارشناسی دیزاین بودنم می‌گذرد، یک عالمه وب‌سایت، بزند، کتاب، آپ موبایل دیزاین کرده و کلی نمایشگاه و رویدادهای زنده دیزاین برگزار کرده‌ام. از طرفی هم پادکست اجرا کرده‌ام، مقاله نوشته‌ام، مطلب ویرایش کرده و در کلاس‌های دیزاین تدریس نموده‌ام. این لحاف چهل‌تکه از فعالیت‌های عجیب و غریبی که به عنوان شغل برای خودم وصله‌دوزی کرده‌ام با آن چیزی که در هجده‌سالگی از دیزاین تصور می‌کردم از زمین تا آسمان تفاوت دارد. با این حال، به هر دلیلی — چه زمانی که مشغول تدریس هستم، چه وقتی که دارم توی پادکست با یک نفر مصاحبه می‌کنم، یا هنگامی که یک متن می‌نویسم یا کتابی را ویرایش می‌کنم — همچنان خودم را یک دیزاینر می‌دانم.

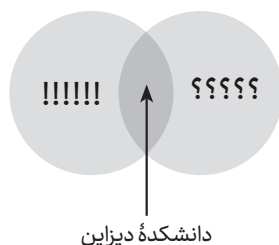
با تغییراتی که در کار و حرفه‌ام ایجاد شد، جهان هم تغییر کرد. سال اول کالج سروکلۀ آیفون پیدا شد، اینستاگرام هم اولین نسخه‌اش را وقتی بیرون داد که من ترم آخر دانشگاه بودم. البته پیدایش این دومی، بدون وجود آن اولی ممکن نبود. بلافاصله پس از سال‌های اولیۀ فارغ‌التحصیلی‌ام، بازارها و صنایع جدیدی حول و حوش این فناوری‌های نوین رشد کردند. فرصت‌ها و درهای تازه‌ای به روی دیزاین گشوده شد. امکان دیزاین در حوزه‌هایی به وجود آمد که پیشتر، در زمان دانشجویی من وجود خارجی نداشتند؛ از طرف دیگر کارهایی که فکر می‌کردم انجام خواهم داد دیگر منسوخ شدند. ابزارها تغییر کردند و زبان دیزاین متحول شد. از قرار معلوم دیزاین بسیار گسترده‌تر از چیزی شد که خیال می‌کردم. حقیقت این است که من همچنان — همیشه و تا ابد — یک دانشجوی دیزاین خواهم بود. بنابراین ممکن است عنوان کتابی که در دست دارید، *چطور دانشجوی دیزاین باشیم*، کمی گمراه‌کننده به نظر برسد. همۀ ما، در نهایت، دانشجوی دیزاین هستیم. بعد از این پانزده سال آزرگار از تنها چیزی که می‌توانم مطمئن باشم این است که هیچ نمی‌دانم دیزاین چیست.

اولین بار — مثل خیلی‌های دیگر — در توییتر با میچ گولدستین آشنا شدم. از همان اول احساس کردم با هم قوم و خویش هستیم. یک نفر دیگر را پیدا کرده بودم که او هم داشت با افتخار اعلام می‌کرد که نمی‌داند دیزاین چیست. طی این سال‌ها همیشه از

هم‌صحبتی با میچ، بیرون از فضای توییتر، لذت برده‌ام — در محیط پادکست و مکالمه‌های درازمدت تلفنی، ایمیل‌های بلندبالا و جلسه‌های مشترکی که در زوم داشته‌ایم (بالاخره یک روز او را از نزدیک ملاقات خواهم کرد!). در زمینه‌های زیادی با میچ اشتراک نظر دارم: مبهم بودن دیزاین، علاقه بیشتر به طرح مسئله و پرسیدن به جای پاسخ هر چیز را در جیب داشتن، و ایمان داشتن به عمل شرافت‌مندانه تدریس. میچ سرشار از انرژی است و هیچ‌وقت در برابر وسعت دیزاین مرعوب نمی‌شود. هر وقت در حرفه‌ام تغییری ایجاد کرده‌ام — از دیزاینر به دانشجو، و سپس از دانشجو به استاد — همیشه نظرات او را جویا شده‌ام و هیچ‌وقت ضرر نکرده‌ام. خیلی خوش‌شانس هستم که میچ در این کتاب تمام دانشی را که من از طریق گفت‌وگوهایم با او به دست آورده‌ام گردآوری کرده و در اختیارتان گذاشته است.

این کتاب به تعاریف دم‌دستی و دوگانه متوسل نمی‌شود. در عوض، با سخاوت‌مندی، آسیب‌پذیری و گشاده‌دلی بسیار نادری در ذهن مخاطبش ابهام ایجاد می‌کند. به دنبال این نباشید که این کتاب دیزاین کردن لوگو یا ساختن صندلی یا گُدنویسی فلان آپلیکیشن را به شما آموزش بدهد. فکر نکنید با خواندن این کتاب یاد می‌گیرید که چطور برای خودتان یک سابقۀ کاری جمع‌وجور کنید تا شغل مناسب‌تان را تضمین کرده باشید. آنچه از این کتاب نصیب‌تان خواهد شد این است که کنج‌کاو بودن و کنج‌کاو ماندن را یاد بگیرید. خواهید آموخت که چطور باید از گیجی و سردرگمی در دیزاین استقبال کنید و برای هرچیز تازه‌ای که پس از فارغ‌التحصیلی‌تان ابداع خواهد شد آماده باشید. این همان کتابی‌ست که شما را در این دورۀ گیج‌کننده، نیروبخش، خلاقانه، خردمندانه، ناامیدکننده و فوق‌العاده دانشجویی و درک آن یاری خواهد کرد. بدون این‌که بخواهد موضوعات را زیادی ساده‌سازی یا محدود کند، به شما اندرزهایی واقعی و کاربردی ارائه خواهد کرد.

در واقع این همان کتابی است که وقتی دانشجوی دیزاین بودم آرزوی خواندنش را داشتم، و خدا می‌داند الآن، به عنوان کسی که دیزاین را آموزش می‌دهد، چقدر خوشحالم که چنین کتابی نوشته شده است. چراکه این کتاب برای اساتید دیزاین هم هست (هرچه باشد ما هم دانشجو هستیم). ما اساتید دیزاین هم می‌توانیم — باید —



پیوسته آماده تغییر باشیم. ما می‌توانیم محیطی را به وجود بیاوریم که متضمن تحقیق و کندوکاو، آزمون و خطا، و آماده پذیرش پیشرفت‌ها و شکست‌ها باشد. می‌توانیم شرایطی را برای دانشجو مهیا کنیم که به دیزاین، نه به عنوان امری تقلیل‌گرا، بلکه به مثابه موضوعی بسیط و گسترده نگاه کند. ما می‌توانیم با همکاری دانشجویان راه‌های تازه‌ای برای ساختن، تفکر کردن و بحث کردن در مورد دیزاین خلق کنیم.

اغلب به دانشجویان اعلام می‌کنم نمی‌دانم دیزاین چیست. همچنین به آن‌ها می‌گویم به شدت معتقدم هر نسلی از دیزاینرها می‌بایست دیزاین را نسبت به نسل خودشان بازتعریف کنند. دیزاین دیروز به هیچ وجه شباهتی به دیزاین امروز، و به همین ترتیب به دیزاین فردا ندارد. دوره‌ای که شما در دانشکده دیزاین سپری می‌کنید این قابلیت را دارد که به خلاقانه‌ترین و خردورزانه‌ترین تجربه‌های زیست‌تان تبدیل گردد (اتفاقاً به همین دلیل است که در همین دوران خودم را سرگرم تدریس کرده‌ام). مثل من وقت‌تان را تلف نکنید و خیال نکنید جواب همه سؤال‌ها را می‌دانید. فکر نکنید به چستی دیزاین آگاهی دارید. این چهار سال را صرف نمره گرفتن نکنید و نگران شغل و سابقه کاری نباشید. تنها وظیفه شما — به عنوان دانشجو، استاد، دیزاینر یا یک انسان — این است که برای تجربه کردن ذهنی باز داشته باشید. همین آمادگی داشتن می‌تواند شما را به یک زیست کارآمد و درازمدت در دیزاین و فراتر از آن رهنمون شود. این کتاب ابزارهای لازم را در اختیارتان می‌گذارد تا خودتان تعریف خاص خودتان را از دیزاین ایجاد کنید. می‌توانیم از یکدیگر بیاموزیم.

— جرت فولر

کالج دیزاین، دانشگاه کارولینای شمالی

| مقدمه |

— — — — — باید این کتاب را بخوانید یا نه؟

راحت و ساده بگویم، دانشگاه یعنی یک تعهد غول‌آسا.

تعهد عظیمی که، بی‌شک، شامل زمان و پول می‌شود. اما تعهد دیگری هم در میان است و آن ذهن شماست: در طول زمان دانشجویی‌تان، سخت‌تر از قبل کار و عمیق‌تر از گذشته فکر خواهید کرد. به خصوص اگر بلافاصله پس از دبیرستان در دانشگاه ثبت‌نام کرده باشید، دانشگاه به منزله نخستین دوره از زندگی‌تان محسوب می‌شود که از نظر اجتماعی و روانی به استقلال می‌رسید. با یک مُشت آدم تازه آشنا خواهید شد، در معرض ایده‌های جدید، فرهنگ‌های نو، آرا و ایدئولوژی‌های بدیع، هنرهای نوین، تجربه‌ها، کتاب‌ها، موسیقی‌ها و محیط‌های جدید و خلاصه همه چیزهای نو قرار خواهید گرفت.

خلاصه این‌که: اگر قرار است زیر بار چنین تعهد سنگینی بروید می‌بایست کاری کنید که ارزشش را داشته باشد. برای همین بود که به صرافت نوشتن این کتاب افتادم تا به شما کمک کنم بیشترین بهره را از دانشکدهٔ دیزاین ببرید.

در این هجده سالی که مشغول تدریس در دانشکده هستم، زمان بسیار زیادی را صرف فکر کردن به نحوهٔ تدریسِ خودم کرده‌ام، به این‌که خودم چطور چیزی را یاد می‌گیرم، چطور هنر و دیزاینم را تولید می‌کنم، به این‌که تدریس، یادگیری، و تولید دیزاین از چه راه‌های پیچیده و فوق‌العاده جذابی به هم ربط پیدا می‌کنند. یک عالمه توصیه و راهکار برای دورهٔ دانشجویی دیزاین آن بیرون وجود دارد. یک جست‌وجوی ساده در شبکه‌های اجتماعی کافی است تا با یک خروار از سخنان حکیمانهٔ لُقمه‌پیچ مواجه شوید که به شما اندرز می‌دهند به عنوان دانشجوی دیزاین چطور باید رفتار کنید و چه کارهایی باید انجام بدهید (ناگفته نماند که خیلی از این لُقمه-اندرزها مربوط به حساب‌های خود من در شبکه‌های اجتماعی هستند). ولی چیزی که تاکنون پیدا نکرده‌ام کتابی است که هم عمیق باشد هم دلسوزانه و هم قابل فهم و در دسترس همه باشد و هم این‌که از تمامی جنبه‌ها به خواننده نشان بدهد که چطور باید از دانشکدهٔ دیزاین بیشترین بهرهٔ ممکن را ببرد، چه برای کسی که تازه وارد دانشگاه شده و چه برای فردی که دارد به ورود به دانشکدهٔ دیزاین فکر می‌کند.

این کتاب بر اساس موفقیت‌های زیاد، و شکست‌های خیلی خیلی زیادتر من به عنوان یک معلم و یک دانشجوی دیزاین نوشته شده است. سعی کرده‌ام دیدگاه‌ها و بینش‌هایی را در اختیار دانشجوی‌های کنونی دیزاین قرار دهم، فارغ از این‌که در چه مقطع آموزشی قرار دارند. از طرف دیگر تلاش کرده‌ام این کتاب راهنمایی باشد برای کسانی که قصد ورود به این رشته را دارند بلکه از آنچه واقعاً قرار است هر روز با آن مواجه شوند آگاهی داشته باشند و در آخر این کتاب به اساتید کمک می‌کند تا کلاس‌های جذاب‌تر و ارزشمندتری را، هم برای خودشان و هم برای دانشجویان، برگزار کنند.

مخاطب بیشتر فصل‌های این کتاب دانشجوی‌های کنونی و آیندهٔ دیزاین هستند اما بخش‌هایی هم به‌طور ویژه خطاب به اساتید نوشته شده است. امیدوارم، چه دانشجو

هستید چه استاد، تمام قسمت‌های کتاب را مطالعه کنید. اساتید و دانشجویان در ارتباطی عمیق با هم قرار دارند — نه در دو سوی مخالف.

اگر دوست دارید:

اطلاعات را از بر کنید،

اهدافی روشن و تعریف‌شده را دنبال کنید،

دستورالعملی مشخص و گام‌به‌گام در اختیار داشته باشید،

و دقیقاً به شما بگویند که چه کار باید بکنید...

بروید سراغ یک رشتهٔ دیگر.

همهٔ ما دوشادوش هم هستیم و باید با همکاری یکدیگر یاد بگیریم که چطور به عنوان اهالی فن خلاقانه کار کنیم و خلاقانه بیندیشیم. بنابراین بسیار مهم است که از هر دو دیدگاه استاد و دانشجو به وقایع نگاه کنیم. هروقت دیدید یک پروژهٔ دیزاین به‌خوبی عمل می‌کند مطمئن باشید که هر دو گروه، چه آن‌ها که آموزش داده‌اند و چه آن‌ها که یاد گرفته‌اند، اشتراکات زیادی با هم داشته‌اند؛ به همین خاطر است که به‌جای این‌که دو کتاب مجزا بنویسم، هر دو دسته را در یک کتاب گنجانده‌ام.

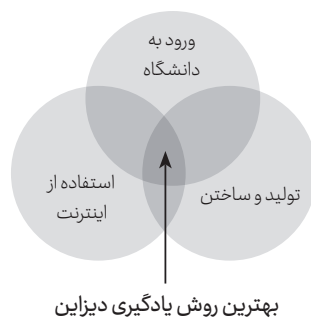
فرض کنیم نمی‌دانید که آیا اصلاً می‌خواهید دیزاینر بشوید یا نه، حالا تکلیف چیست؟ شاید مطمئن نیستید که دلتان می‌خواهد به دانشکدهٔ دیزاین وارد شوید. فارغ از بحث وقت و پول، اصلاً دانشکدهٔ دیزاین به درد شما می‌خورد یا خیر؟ در مورد آنچه واقعاً قرار است در کلاس‌های دیزاین اتفاق بیفتد به طور مفصل صحبت خواهم کرد: انتظار چه جور تکالیفی را باید داشته باشید، کارتان چطور نقد و ارزش‌گذاری می‌شود و اصلاً چه کارهایی قرار است انجام دهید.

فراتر از کارهای روزمره، به این موضوع هم خواهم پرداخت که در پس هرکدام از کارهای عملی، کاربردی و نظری که در دانشکدهٔ دیزاین تدریس می‌شوند چه فلسفه‌ای نهفته است — بله، چیزهای زیادی را یاد می‌گیرید، از جمله کار کردن با نرم‌افزار، و این‌که

دیزاین یک حباب بزرگ و مبهم از ایده‌ها، روش‌ها، ابزارها، مفاهیم، فُرم، مضمون، فرهنگ و تمامیتی از وضعیت بشر است. همچنین یک رشته فوق‌العاده شگفت‌انگیز و بی‌نهایت جذاب است که می‌توانید تا آخر عمرتان آن را بیاموزید و از آن لذت ببرید. این کتاب به شما کمک خواهد کرد تا به آن نقطه لذت برسید.

روچستر، نیویورک
جولای ۲۰۲۲

درک کردن دانشکدهٔ دیزاین _____



۱ فصل اول |

چرا باید به دانشکدهٔ دیزاین برویم؟ — — — — —

اکثر مردم (به خصوص اکثر والدینی که بچه‌های‌شان را به کالج می‌فرستند) تصورشان این است که ورود به دانشکدهٔ دیزاین به منزلهٔ پیش‌خرید کردنِ یک شغلِ نان‌و‌آبدار است. برو دانشگاه، خوب درس بخون، فارغ‌التحصیل شو، کار پیدا کن، و تا آخر عمر شاد و خوشحال زندگی کن.

کار پیدا کردن دلیل بسیار موجهی برای گذراندن دورهٔ آموزشی است، و کار کردن و پول درآوردن چیزی است که خودم به‌شخصه بسیار از آن لذت می‌برم. با این وجود، ورود به دانشکدهٔ دیزاین (یا تصمیم برای ادامهٔ آموزش عالی در هر رشته‌ای) هیچ ربطی به پیش‌خرید کردن فلان شغل در آینده ندارد. واقعیت این است که علی‌رغم وقت و پولی که صرف می‌کنید هیچ تضمینی وجود ندارد که پس از اتمام تحصیلات شغل مناسب‌تان

را خواهید یافت. اصلاً هم مهم نیست ادارهٔ بازاریابی دانشگاه در وبسایتش چه چیزهایی را تبلیغ می‌کند. زمانی که تصمیم می‌گیرید وارد دانشکدهٔ دیزاین بشوید آنچه انتظارتان را می‌کشد آموزش کارِ خلاق و کنجکاوی فعال است — همین‌هاست که ممکن است شما را به شغل مناسب برساند، که اغلب هم می‌رساند. در واقع دارید روی چیزی سرمایه‌گذاری کلان می‌کنید که هیچ نتیجهٔ معین و مشخصی ندارد و این امر منتهی به یک پرسش فوق‌العاده مهم می‌شود که احتمال پیشتر از خودتان پرسیده‌اید، پرسشی که همیشه می‌شنوم و معمولاً توی این مایه‌هاست:

به‌جای این‌که همهٔ وقت و پولم را صرف رفتن به دانشکدهٔ دیزاین بکنم و دست‌آخر هم مطمئن نباشم که آیا بعد از دانشکده کار گیرم بیاید یا نه، بهتر نیست ویدیوهای آموزشیِ مُفتی که توی اینترنت وجود دارند را تماشا کنم و همان چیزها را یاد بگیرم؟

پرسش بی‌نظیری است که ارزشی یک پاسخ واقعی را دارد. یک دنیا اطلاعاتِ برخط وجود دارد که توی دانشگاه هم به همان‌ها پرداخته می‌شود. این درحالی است که بسیاری از این اطلاعات به صورت رایگان در دسترس هستند، حتی سایت‌هایی که برای دسترسی داشتن به آموزش‌های دیزاین‌شان باید هزینه‌ای پرداخت کنید که در قیاس با شهریهٔ دانشگاه بسیار ارزان‌تر و شاید به اندازهٔ شهریهٔ یک ترم دانشگاه خرج داشته باشند. آموزش برخط را می‌توانید توی منزل و طبق برنامه‌ریزی خودتان، در هر ساعت از شبانه‌روز انجام دهید. اگر دانشجوی مُسن باشید لازم نیست از شهرتان خارج شوید یا شغل‌تان را ترک کنید. مدارس دیزاین (و در کل آموزش عالی) به‌طرز مسخره‌ای گران است — اکثر دانشجویها با یک کوه بدهکاری دانشگاه را تمام می‌کنند و تازه باید به فکر پس دادن وام‌های دانشجویی‌شان باشند. بسیاری از آن‌ها مجبور می‌شوند از خانواده جدا شوند و به شهر دیگری کوچ کنند.

پس نمی‌شود به جای دانشگاه تمام این چیزها را آنلاین یاد گرفت؟ پاسخ این است که: چرا نشود، حتماً می‌توانید به صورت برخط دیزاینر شدن را یاد بگیرید. مجبور

نیستید وارد دانشکدهٔ دیزاین بشوید. ولی مطمئن باشید همان چیزها را نخواهید آموخت. یوتوب و سایت‌های آموزشیِ پولی، مثل اسکیل‌شر و لینکد این لرنینگ، دارای دوره‌های آموزشی بسیار گسترده و مفصلی هستند که خیلی خیلی بیشتر از آن چیزی است که بتوان در یک دورهٔ چهارسالهٔ کارشناسی در دانشگاه گنجاند. تنها کافی است الگوریتم پیشنهادیِ سایت را تا ابد دنبال کنید و کاربرد هرچیزی که دوست دارید را یاد بگیرید. و البته، می‌توانید پیژامهٔ راه‌راه‌تان را بپوشید و ساعت دوی بعد از نصفه‌شب، در حالی‌که روی مبل لم داده‌اید درس‌تان را بخوانید.

اما دانشکدهٔ دیزاین چیز دیگری است؛ تجربه‌ای که در ساختار خود زمینه‌ها و بسترهای بسیار زیاد و ارتباط‌های گوناگون و عمیقی را به همراه دارد. شما با یک فضای جادویی مواجه هستید و با یک مُشت آدم دیگر توی یک اتاق، و این فرصت تکرارنشده‌ی را در اختیار دارید تا ایده‌های مختلف و گوناگون یکدیگر را بشنوید. می‌دانم چه در سرتان می‌گذرد. پس خیال‌تان را راحت می‌کنم: نه‌خیر، چَت‌های برخط یا بخشِ نظرات در زیر یک ویدیوی یوتوب به‌گِرد آن فضا هم نمی‌رسد. اهمیت و ارزش یک گفت‌وگوی حضوری و چهره‌به‌چهره و همکاری نزدیک با آدم‌ها را هرگز دست‌کم نگیرید. من که تا به‌حال ندیده‌ام یک برنامهٔ برخط چنین نتیجه‌ای در پی داشته باشد. بله، توی کانال‌های نقد اسلک شرکت کرده‌ام، سرورهای دیسکورد در مورد نقد دیزاین را هم دیده‌ام، و با این‌که اقرار می‌کنم به‌هیچ عنوان بی‌فایده نیستند اما هنوز خیلی چیزها کم دارند.

آموزش رسمی حاوی یک برنامهٔ آموزشی بسیار توسعه‌یافته است که با اتکا بر کلاس‌های متوالی و پی‌درپی، پیش می‌رود و کامل می‌شود. از طرفی دیگر، کلاس‌های دیگری را خارج از رشتهٔ تخصصی‌تان می‌گذرانید، چه واحدهای انتخابی و چه آن‌ها که مربوط به دیزاین نمی‌شوند مثل علوم انسانی، نگارش، علوم، و طیف گسترده‌ای از دیگر رشته‌ها. مقدار بسیار زیادی تئوری و تاریخ خواهید خواند، و این در حالی است که تعداد خیلی از کسانی که دیزاین را به صورت برخط فرامی‌گیرند تاریخ، نگارش و ادبیات هم می‌آموزند. آموزش درست یعنی: چیزهایی فراتر از موضوعات واضح و بدیهی و این‌که چگونه این موضوعات از راه‌های جذاب و غیرقابل پیش‌بینی به همدیگر ربط پیدا می‌کنند.